

آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید که «سیزده آبان» چه روزی است؟

آیا تا به حال درخشش ستارگان را در آسمان، و مهتاب را در پهن‌دشت گیتی دیده‌اید؟
آیا تاکنون دیده‌اید که فروغ نورانیت برخی از ستارگان بیش‌تر است؟

در آسمان تاریخ معاصر ایران زمین هم، روزهایی چون ستارگان پرتوافشان بر «سقف گیتی» می‌درخشند و در بین روزهای درخشانده نیز برخی درخشانده‌ترند. «سیزدهم آبان» از جمله روزهای پرفروغی است که در تاریخ ایران زمین، همواره برجسته و سربلند است. در اسطوره‌ها و باورهای مردم ایران کهن، گاهی باورهایی دیده می‌شود که به نوعی از اندیشه آزادی‌طلبی و بیرون کردن ظلمت و تاریکی ریشه می‌گیرد. هر چند ممکن است فی‌نفسه عملی خرافاتی باشد ولی عاملی که موجب می‌شود تا مردم به سوی «خورشیدگرفتگی» و یا «ماه‌گرفتگی» رخ می‌داد، صدای طبیل و دُهل و... و سر و صداهای این‌چنینی از گوشه و کنار بلند می‌شد که «اژدهایی می‌خواهد خورشید و یا ماه را بلعد و بر ماست که این اژدها را فراری دهیم، تا مانع درخشش نور پرفروغ خورشید عالم تاب نشود.» سال‌ها بر آسمان «آزادی» و «استقلال» این مرز و بوم، «اژدهایی» به نام «آمریکا» سایه افکنده بود و سال‌ها این اژدها مانند زالو خون ملت ایران را می‌مکید. تا این‌که در ایران اسلامی «خضری» ظهور کرد مراتب آزادی‌طلبی آن‌ها را سر و سامان داد و به سوی هدفی واحد رهنمون نموده و با تکیه بر ایمان و پشتیبانی مردمی، دست

عزم

آن خفاش خونخوار را از سر مردم کوتاه کرد. اما آنچه مهم است این است که این زالو هنوز هم از چشم طمع به منافع ملی ایران دست بردار نیست.

زالویی که سال‌ها از مزرعه پر محصول رنگارنگ و حاصل‌خیز ایران تا آن‌جا که می‌توانست درو می‌کرد و خود می‌خورد و بذل و بخشش می‌کرد. اما در این میان «خضر» قصه ما با رهبری و درایت خاص خویش و با تکیه بر سلاح ایمان، مردم ستم‌دیده و به ستوه آمده از دست ظلم و جور ظالمان را، دل و جرأتی مضاعف داد تا هیچ هراسی در مقابل این «دیو پلید» نداشته باشند.

با رهبری مدبرانه «خضر راهنما»، مردم، دیو پلید را از مرز و بوم خود بیرون راندند. اما او مانند عنکبوت لانه‌ای بی‌بنیاد برای خود در

خود، صورت گیرد.

سیزده آبان روزی است که فرزندان این مرز و بوم به جهانیان فهماندند که جلوی هر طاغوتی، هر چند خودش را قوی و پر قدرت جلوه دهد، می‌توان ایستاد.

در سیزده آبان ثابت شد که پشت استعمار را می‌توان با توکل به قدرت لایزال الهی و با ایمان و همبستگی و وحدت و همدلی به خاک مذلت افکند.

در سیزدهم آبان این امر تجلی یافت که امنیت و آسایش را می‌توان از قومی که به مظلومان و ستمکشان امنیت و آسایش نمی‌دهند، گرفت.

واقعه سیزده آبان ثابت کرد که قدرت متظاهر به زور، از درون پوچ و پوشالی است.

در سیزدهم آبان مردم خود را باور کردند و عملاً با چشم خود دیدند آن قدرتی که در ذهن بسیاری همچون کوهی استوار است «کاهی» بیش نیست.

در سیزدهم آبان «وحدت کلمه» معنا شد.

در سیزدهم آبان تکیه بر ایمان تفسیر شد.

در سیزدهم آبان رهبری دینی بار دیگر تجربه شد.

در سیزدهم آبان ملت عملاً به دیگر ملت‌های

مظلوم نشان داد که دیوار استبداد را می‌شود فرو ریخت.

و در یک کلام، در سیزدهم آبان ۱۳۵۸

«انقلاب» به نوعی دیگر تجربه شد و تحقق یافت

و به همین دلیل هم آن پیر فرزانه آن را «انقلاب

دوم» نام نهادند. و این روز در تاریخ این مرز و

بوم، برگی «زرین» را به خود اختصاص داده و

مانند ستاره‌ای درخشان در آسمان ستاره‌سار این

تاریخ درخششی به اندازه همان «تاریخ» خواهد

داشت و آیندگان را چراغی است روشن.

و این است معنای «عزم ملی».

ملی

مرضیه یگانه

داخل این خاک پرگهر باقی گذاشت تا بتواند با استفاده از آن لانه کذایی، دام‌هایی را برای اهداف نامیمون خود در پهن دشت پر از «شقایق» و «لاله» این سرزمین بگسترده و هر بار که میل خونخواری در او پدیدار گشت، «شقایقی» را «لاله‌گون» و یا «لاله‌ای» را پریز کند تا بتواند به نیت پلید خود دست یابد.

اما عده‌ای از آینده‌سازان این مرز و بوم، بر آن شدند تا بنیاد این لانه فساد و خونخواری را از بیخ برکنند. برنامه‌ریزی‌های صورت گرفت که «زمان» برکنند این لانه عنکبوت خونخوار در ایام سالگرد «قربانی شدن» عده‌ای از دانشجویان در برابر قدوم نامیون سرکرده دیو پلید (امریکا) و در سالگرد تبعید رهبر و پیشوای آزادی خواهان و استقلال طلبان و احیاکننده اسلام ناب از وطن